

شناسایی مولفه های آموزش مدیریت مسئولانه در آموزش عالی ایران

وحید بنیسی^۱، محمد علی نادى، رضا ابراهیم زاده^۲

^۱ دانشجوی دکترای رشته مدیریت آموزشی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد اصفهان (خوراسگان)، اصفهان، ایران.

^۲ عضو هیات علمی دانشگاه آزاد اسلامی، واحد اصفهان (خوراسگان)، اصفهان، ایران.

نام و نشانی ایمیل نویسنده مسئول:

وحید بنیسی

VAHID.BANISI@GMAIL.COM

چکیده

یکی از موضوعاتی که همیشه مورد توجه دانشگاهیان و سازمان ها بوده، فاصله بین آموزش های دانشگاهی و کاربردهای عملی آن است. سازمان هایی که فارغ التحصیلان دانشگاهی را به کار می گیرند در اکثر مواقع از این مسئله گله مند هستند که آموزش های دانشگاهی در عمل کاربرد چندانی ندارد. در این بین آموزش رشته مدیریت نیز از این قاعده مستثنی نیست. انتظار آن است آموزش هایی که به دانشجویان مدیریت داده می شود بتواند آنها را برای اداره کردن سازمان ها آماده کند که اغلب این انتظار تحقق نمی یابد. در این مقاله هدف شناسایی مولفه های آموزش مدیریت مسئولانه و بررسی شیوه های آموزش در دانشگاه بالاخص در رشته مدیریت و ارائه راه کارهای مبتنی بر آموزش مسئولانه به منظور بهبود وضع موجود است. بررسی ها نشان داد، عدم دقت در تدریس، تمرکز صرف بر تدریس، تمرکز بر کمیت، رقابت بی جا در کلاس، غفلت از دانشجوی کامل، چشم پوشی از دانش ضمنی و غفلت از تجربه مدیران موفق از موانع توسعه آموزش مدیریت مسئولانه هستند. بر این اساس پیشنهاد شد به منظور توسعه آموزش مدیریت مسئولانه، به مواردی همچون مکتب آموزش و یادگیری، آموزشهای اجباری، یادگیری همکار گونه، سنجش پیامد های یادگیری، گسترش کلاس به خارج دانشگاه، تجارب عملی و تمرین موعظه کردن توجه شود.

واژگان کلیدی: آموزش مدیریت، مسئولانه، آموزش عالی

مقدمه

در طی دوره های مختلف، کیفیت آموزش یک دغدغه اصلی برای نظام دانشگاهی بوده است. هر چقدر که از گذشته به زمان حال وارد شدیم تلاشهای زیادی به منظور بهبود کیفیت آموزش و رسیدن به استانداردهای لازم انجام شده است. در چنین شرایط تحلیل و ارزیابی برنامه های نظام آموزشی نقش مهمی در این زمینه ایفا می کند. یکی از رشته هایی که آموزش آن از حساسیت ویژه ای برخوردار است، رشته مدیریت است. رشته مدیریت در حال حاضر در اکثر دانشگاههای کشور گرایش ها و مقاطع تحصیلی مختلف تدریس می شود. علیرغم توسعه کمی به نظر می رسد از نظر کیفی آنچنان که انتظار می رفت آموزش مدیریت مسئولانه مورد توجه واقع نشد؛ چرا که در مقایسه با کشورهای پیشرو در این زمینه این تفاوت ها احساس می شود. هدف آن است که مشکلات و راهکارهای آن با در نظر گرفتن آموزش مدیریت مسئولانه مورد مطالعه و تحقیق قرار گیرد. چرا که با توجه به مسئولیت پذیری در حوزه مدیریت منجمله آموزش مدیریت مسئولانه می تواند کمک قابل توجهی به آموزش بهتر و با کیفیت تر در این زمینه انجام دهد.

در آغاز قرن بیست و یکم، مردم با چالش های قابل توجهی مواجه شدند، که عمده ترین آنها در سطوح اجتماعی و زیست محیطی، تغییرات آب و هوا و عمیق بودن نابرابری های اقتصادی، در سراسر جهان است، این امر باعث شده تا جوامع و مصرف کنندگان خواستار آن باشند که شرکت ها به عنوان یک عامل تغییر در جامعه فعالانه در حل مشکلات اجتماعی که جوامع با آنها روبرو هستند مشارکت کنند.

از این رو انجمن جهانی تجارت، (۱۹۹۹) برای توسعه پایدار بیان می کند که مسئولیت پذیری اجتماعی شرکت ها یک تعهد همیشگی توسط بنگاه برای رفتارهای اخلاقی و مشارکت در توسعه اقتصادی در حین بالا بردن کیفیت زندگی کارکنان و خانواده های آنها در جوامع محلی است. در رابطه با تعریف دقیق مسئولیت پذیری اجتماعی شرکت ها تا کنون یک تعریف دقیق و واحد موجود نیست و نویسندگان مختلف هر یک زیر این چتر، مفاهیم مختلفی ارائه کرده اند (لانتوس، ۲۰۰۱)^۱. اما آنچه به طور قطعی می توان گفت این است که مسئولیت پذیری اجتماعی شرکت ها، از سود خالص به سود سه جزئی که شامل اقتصاد، محیط زیست و مسئولیت پذیری اجتماعی شرکت ها است، تکامل یافته است (نورمن، ۲۰۰۳)^۲. لورنس، وبر و پست (۲۰۰۵) نیز در کتاب خود در قسمتی به عنوان ((قانون اعانه)) نوع دیگر در نگرش به مسئولیت پذیری اجتماعی شرکت ها را تحت عنوان "اصول معاونت و نیکوکاری" مطرح کردند. طبق این نظریه شرکت ها باید نمایند و امین خواسته های مردم باشند. می توان ادعا کرد که در قرن بیست و یک و ادغام دغدغه های هم چون زیست محیطی و اجتماعی، اقدامات داوطلبانه، رفتار اخلاقی، توسعه اقتصادی، بهبود کیفیت زندگی شهروندان، حقوق بشر، حقوق کار، حفاظت از محیط زیست، مبارزه با فساد، تشویق شفافیت و پاسخگویی در هم ادغام شده اند (لورنس، ۲۰۰۵)^۳.

با توجه به موارد فوق مسئولیت اجتماعی شرکت ها در یک تعریف عام، طریقی است که بنگاهها به وسیله آن رویکرد اقتصادی، اجتماعی و زیست محیطی را با ارزش ها، فرهنگ، استراتژی ها، ساختار تصمیم گیری و شیوه های عملیاتی خود به شکلی شفاف قابل حسابرسی یکپارچه می کنند و در نتیجه فرآیند و رویه های بهتری را در درون سازمان خود جاری می کنند و به این ترتیب ثروت می آفرینند و جامعه را بهبود می بخشند. امروزه این مفهوم در سطح وسیعی پذیرفته شده است و معنای آن حوزه هایی چون ایمنی، محصول، صداقت در تبلیغات، حقوق کارکنان، پایداری محیط زیست، رفتار اخلاقی و مسئولیت های جهانی را در بر میگیرد و ذی نفعان وسیعی از کارکنان، مشتریان، جوامع، محیط زیست، رقبا، شرکای تجاری، سرمایه گذاران، سهامداران و دولت ها را شامل می شود.

همچنین شایان ذکر است که بر اساس نتایج مطالعات انجام گرفته در داخل کشور، میزان توجه به مسئولیت پذیری اجتماعی در سطح پایینی قرار دارد و این میزان توجه به وظایف اجتماعی در موسسات مختلف سطوح متفاوت دارد (ثقفیان، ۱۳۸۷: ۷۶).

¹ Lantos, 2001

² Norman, 2003

³ Lawrence, 2005

با مطرح شدن موضوع مسئولیت اجتماعی توسط (هاوارد، بوون)^۱ تعیین عوامل موثر بر میزان مسئولیت پذیری اجتماعی نیز به موازات گسترش این موضوع مورد بحث و بررسی قرار گرفت. شاید بتوان اولین مباحث مطرح شده را در مورد عوامل موثر بر گرایش یا عدم گرایش شرکت ها به مسئولیت های اجتماعی در خصوص موضوعات مطرح شده، در مباحث طرفداران دیدگاه مدیریت ذی نفعان یافت. نگرش مدیریت ذی نفعان به تدوین و به کارگیری سیاست های سازمانی و فعالیت هایی که در جهت دست یابی به اهداف مورد نظر تمامی ذی نفعان قرار دارد، تاکید می کند (پوست و پرستون، ۲۰۰۲).^۲

این رویکرد زمانی مطرح شد که جنبش اصول اخلاقی کسب و کار، تازه در اواخر دهه ۷۰ شروع شده بود. در آن زمان، اصول اخلاقی کسب و کار، عمدتاً توجه خود را روی اصول اخلاقی و کاربرد نظریه های اخلاقی برای انجام قضاوت های اخلاقی درباره تصمیمات، متمرکز کرده بود. در آن زمان (هاسمر، ۲۰۰۵)^۳ برای نشان دادن تاثیر معیارها، قضاوت ها و اصول اخلاقی ذی نفعان بر تصمیمات مدیریت خاطر نشان می کند که تمایز قابل شدن بین معیارهای اخلاقی، قضاوت های ارزشی و اصول اخلاقی ضروری است.

با این وجود کمبود یا فقدان مهارت مسئولیت پذیری یکی از جدی ترین مسائل در اختلال بی اعتنائی مقابله ای و ناسازگاری اجتماعی دانشجویان مدیریت می باشد. آموزش مسئولیت پذیری مهارتی است که فرد را قادر می سازد تا مسئولیت رفتارش را به عهده بگیرد، نه اینکه فرد خود را قربانی تکانه ها، واقعه های گذشته، یا مردم دیگر یا زمینه های محیطی قرار دهد و با پذیرش مسئولیت فردی می تواند، تصویری از تغییرات را ترسیم نماید. بنابراین آموزش مسئولیت پذیری نه به صورت یک حالت زودگذر بلکه ضرورت آن به شکل یک شیوه موثر دائمی احساس می شود.

یکی از ویژگی های اساسی انسان، ویژگی مسئولیت پذیری است که در بین نظریه پردازان مختلف از ابتدا تا کنون بحث و اختلاف نظرهایی وجود داشته است. به عنوان نمونه آدلر بر مسئولیت فردی و اجتماعی تاکید دارد (جرالد کوری، ۲۰۱۳).^۴ در حالی که از دیدگاه جبر گرایی فروید نیرو های غیر منطقی، انگیزه های ناهوشیار، و سایت های زیستی و غریزی که از طریق مراحل روانی-جنسی در چند سال اول زندگی شکل می گیرند، رفتار ما را تعیین می کنند (جرالد کوری، ۲۰۱۳). بنابر این با توجه به موارد فوق مسئولیت پذیری در دیدگاههای مختلف تعاریف یکسانی ندارند. مثلاً از دیدگاه وجود گرایان انسانها آزاد هستند تا انتخاب نمایند، در این دیدگاه انسان موجودی است که بر هستی و وجود خودآگاهی دارد و مسئول رفتار خود می باشد، او به وجود خود و وقایع موثر بر آن آگاه است و این امر تصمیم گیری را برای او ممکن می سازد در نتیجه او مسئول انتخاب های خود می باشد و وراثت و محیط و تربیت بهانه هایی بیش نیستند (ثنایی، ۱۳۸۳). در نظریه گشتالت درمانی مسئولیت یک ویژگی شخصی است که معمولاً به صورت یک نگرش در ساختار روانی و رفتاری فرد شکل میگیرد و یک متغیر عمده و اساسی در رفتارهای اجتماعی محسوب می شود و لذا در آموزش رفتار های اجتماعی جایگاه قابل توجهی دارد (بهرامی و همکاران، ۱۳۸۳، به نقل از داوری، ۱۳۹۳). ویلیام گلاسر ابتدا تحت تاثیر رویکرد روانکاوی قرار گرفت ولی کم کم نارضایتی او از آموزش های روان کاوی به خاطر اینکه آموزشی در زمینه پذیرش مسئولیت زندگی و انتخاب ها به مردم نمی دهد، بلکه با دیدگاه جبر گرایی و نگاه به گذشته دیگران را سرزنش می کند، زمینه ساز ابداع روش جدیدی توسط وی گردید که بعدها واقعیت درمانی نام گرفت (جرالد کوری، چاپ سوم، ۱۳۹۳).

واقعیت درمانی بر این فرض استوار است که ما در برابر رفتاری که انتخاب می کنیم مسئولیم و به دلیل اینکه تمامی مشکلات، در زمان حال وجود دارند واقعیت درمانی در زمان بسیار اندکی را به گذشته اختصاص می دهد. چون این رویکرد تمرکز زیادی بر انتخاب اهداف و پذیرش مسئولیت در خلق دنیای پیرامونمان دارد می توان آن را نوعی رویکرد وجودی به حساب آورد. با وجود این، رویکرد گلاسر (۱۹۷۵) به درمان، ترکیبی از فلسفه وجودی-پدیدار شناسی و فنون رفتاری است که به روش های خود گرانی رفتار درمان گران شباهت دارد (نورکراس، ۱۳۸۹).

برنامه واقعیت درمانی: این شیوه که بر نظریه گلاسر مبتنی بود، هدف آن کمک به افراد در ارضاء نیازها به طور مسئولانه است. از سوی دیگر توسعه فعالیت های اقتصادی در وهله اول نیاز به مدیریتی آگاه دارد، که با دانش خود توانایی راه اندازی و بهره برداری از فعالیت های اقتصادی را داشته باشد و با مدیریت صحیح و آگاهانه کالا و خدمات مطلوب و با کیفیت به جامعه عرضه نماید.

¹ Havard, boun² Poset & Preston, 2002³ hosmer, 2005⁴ Jerard kori

بنابراین جهت بهبود نظام آموزش مدیریت تخصصی لازم است متناسب با ماهیت هر یک از فعالیت های اقتصادی دوره های مدیریتی تخصصی با هدف ارتقاء دانش تخصصی مدیران کشور برگزار گردد.

بررسی روند تحول تقاضا برای آموزش عالی نشان داده است که این روند، روندی افزایشی است که در کلیه کشورهای جهان مشاهده می گردد. آموزش عالی به تدریج از ماهیت وجودی کالای لوکس بیرون رفته و به صورت یک کالای ضروری خود نمای می کند (عماد زاده و همکاران، ۱۳۸۳). از آنجایی که پرورش نیروی کارآمد و پاسخگو تا حد زیادی می تواند از طریق آموزش مبتنی بر نیازهای حال و آینده میسر گردد. امروزه دانشگاهها اصلی ترین تولید کننده سرمایه انسانی شده اند. در واقع آموزش توانمندترین، کارآمدترین و کم هزینه ترین ابزار در روزآمد نمودن مهارت و تخصص می باشد، از طرفی مهارت نیز عامل کلیدی توان رقابت و امنیت شغلی به شمار می رود (فراستخواه و کبریایی، ۱۹۸۸).

به طور کلی احساس مسئولیت یک ویژگی شخصیتی (کلمز، ۱۳۸۵) و دارای ابعاد اجتماعی است (ویلیز، ۲۰۰۴) که به صورت یک نگرش در ساختار روانی و رفتاری فرد شکل می گیرد (بهرامی و همکاران، ۱۳۸۳).

به نظر می رسد که در محیط های آموزشی احساس مسئولیت و تعهد به از دو طریق در پیشرفت تحصیلی اثر می گذارد: نخست اینکه رفتار مسئولانه در فراگیران باعث می شود تا بین آنها و همکلاسی ها و معلم تعامل مثبت برقرار شود؛ بدین ترتیب امکان یادگیری موثر فراهم می شود. دوم احساس تعهد و مسئولیت در فراگیر سبب رشد انگیزه درونی شده، لذا باعث افزایش فرآیند یادگیری می شود.

این مهم از دیدگاه دی ایدرا (۲۰۰۵) به عنوان عامل اثر گذار مهم در دیدگاه اجتماعی-شناختی یاد شده است که در موفقیت تحصیلی نقش موثری دارد. مرور دقیق شواهد تجربی در مورد همبسته های مسئولیت پذیری نشان می دهد که سبک های هویت پیشرفته و رشد اخلاقی (پاشا و گودرزیان، ۱۳۸۸)؛ پیشرفت تحصیلی (میکائیلی منیع، ۱۳۸۸؛ اسپیچر، ۱۹۷۷)؛ سلامت عمومی (سعادت، شامیر، فرزاد و شهر آرای، ۱۳۸۶)؛ امنیت اجتماعی (ایمان، مرادی و جلائیان، ۱۳۸۹)؛ دینداری والدین (هترینگتون و همکاران، ۱۹۹۹)، و کنترل عواطف (هاوتن، ۱۹۸۶) با افزایش میزان مسئولیت پذیری در محیط آموزشی این نکته را مطرح می کند که قضاوت های مربوط به مسئولیت پذیری شخصی و پی آمد های رفتاری حاصل از این قضاوت ها، زیر بنای بسیاری از حیطه های زندگی است. معلم یا والدینی که دانشجویان را به دلیل عدم تلاش مسئول شکست می دانند، معمولاً احساس خشم کرده و دانشجویان را سرزنش می کنند. وقتی که مشکل به مسأله ی غیر قابل کنترل تبدیل می شود و فرد نیز مسئول شناخته نشود، رفتار های هیجانی کاملاً متفاوتی بروز می کند؛ بر این اساس واینر اعلام می کند قضاوت های مسئولیت پذیری ارتباطی نظری بین انگیزش پیشرفت شخصی، نظریه های اسنادی و رفتار اجتماعی برقرار می سازد (پنتریچو شانک، ۲۰۰۲؛ ترجمه شهر آرای، ۱۳۸۶).

بر اساس نظریه پرایس (۲۰۰۴)، راهبردهای یادگیری ویژگی ها و صفات شناختی، عاطفی و فیزیولوژیکی هستند که در زمینه چگونگی ادراک، تعامل و پاسخ یادگیرندگان به محیط یادگیری به عنوان شاخص های نسبتاً ثابت عمل می کنند. از این رو، فراول و همکاران (۲۰۰۹)، راهبردهای یادگیری را به شناختی و فراشناختی تقسیم نموده اند. به اعتقاد آنها راهبرد های شناختی غیر پیچیده تر هستند؛ یعنی بر حفظ بیشتر و پردازش کمتر تاکید دارند، از طرفی راهبرد های فراشناختی پیچیده تر هستند یعنی بر پردازش بیشتر مواد آموختنی و مطالعه تمرکز دارند. مطالعات مختلف گویای آن است که فراشناخت با یادگیری مستقل، با کیفیت و با معنی همراه است که نتیجه آن دستیابی به سطوح عمیق تری از درک و فهم می باشد (فراول، ۲۰۰۹؛ مککلند، ۲۰۰۶).

بر اساس نظر آرگیلد و همکاران (۱۹۹۶)، یادگیری مبتنی بر خود، به عنوان یکی از روش های افزایش مسئولیت پذیری موجب می شود که یادگیرنده خود را مسئول یادگیری خود بداند و بر خلاف مراکز آموزش عالی، دانشجوی احساس نمی کند که تحت کنترل دیگران است و احساس فردی آنان را نیروها و تجارب بیرونی شکل نمی دهند، بلکه تشخیص می دهند که خود حق انتخاب دارند و مسئول ساختن زندگی خود هستند. آلیس (۱۹۹۵)، در نظریه خود عنوان می کند که رفتار انسان از تفکرات او نشأت می گیرد، او فرد را مسئول اعمال و احساسات خویش می داند و معتقد است که فرد می تواند میان آنچه که از محیط می گیرد و بازده عاطفی خویش مداخله کند (به نقل از کردلو، ۱۳۸۷). بنابراین به نظر می رسد که نگرش افراد در مورد تحصیل و مدارس می تواند در انتخاب اهداف و جهت گیری آنها در فعالیت های یادگیری اثر گذار باشد (خجسته مهر و همکاران، ۱۳۹۱؛ پنتلیچوک، ۱۹۸۹). همچنین شناخت جنبه های روانشناختی دانش آموزان و واکنش آن ها در شرایط خاص می تواند همانند یک ابزار کمک آموزشی قدرتمند عمل کند و به افزایش تاثیر ابزارهای آموزشی منجر گردد (چود و هنری، ۲۰۰۶). با توجه به اینکه عوامل موثر مسئولیت پذیری دانشجویان بسیار گسترده و وسیع است. شناسایی این عوامل در رفع مشکلات و نارسایی های موجود در سیستم آموزش

مدیریت ضروری به نظر می رسد؛ از این رو، هدف پژوهش حاضر پر کردن خلاء مطالعاتی موجود در این زمینه است و تلاش در جهت پاسخ گویی به این سوال که مولفه ها و شاخص های آموزش مدیریت مسئولانه نظام آموزش عالی کدام است؟ شروع دهه کنونی مصادف با چندین مورد رسوایی فساد و یک بحران مالی بود و در نتیجه زمینه ای برای زیر سوال بردن اهداف، باورها و دوره های درسی مدارس کسب و کار فراهم کرد. این نگرانی ها به دلیل سردرگمی بسیاری از کسب و کارها در مورد مسائل اخلاقی تقویت شدند.

در نتیجه، بخش آموزش اخلاق کسب و کار با ضرورتی برای بازنگری و یادگرفتن اشتباهات خود روبرو شده است که میتواند نقاط ضعف موجود در روند آموزش افراد صادق و مسئول را برطرف کند. اگرچه تعدادی ابتکار مانند اصول آموزش مدیریت مسئولانه (PRME) برای بهبود دادن فرایند آموزش کسب و کار وجود دارند، هنوز بسیاری سوالات و تردیدها در مورد آموزش اخلاق کسب و کار بعد از رسوایی های فساد وجود دارند.

علاوه بر تلاش برای درس گرفتن از تازه ترین رسوایی های کاری و بحران های مالی، باید به طور جامع بررسی کنیم که چه مطالبی را باید اکنون آموزش داد و به منظور آنکه رهبران کسب و کار آینده بهترین آمادگی برای مقابله با چالش های موجود در محیط جهانی را پیدا کنند، چرا و چه مطالبی را باید آموزش ببینند.

ابتکار اصول آموزش مدیریت مسئولانه (PRME) در سال ۲۰۰۷ شروع به کار کرد و در حال حاضر بیش از ۳۷۰ دانشکده کسب و کار و موسسه آکادمیک مدیریتی در ۶۰ کشور آن را مورد تایید قرار داده اند؛ این ابتکار به عنوان دستورالعملی برای ارائه دهندگان آموزش مدیریت عمل می کند تا آنها دوره های آموزشی، پرورشی و پژوهشی را تقویت کرده و رهبران سازمانی را پرورش دهند که اهداف اقتصادی و اجتماعی را با یکدیگر انطباق خواهند داد.

از مشارکت دهنده های PRME به طور مداوم درخواست میشود تلاش های خود برای یکپارچه سازی کردن مسائل مسئولیت شرکتی و پایداری شرکتی در دوره های آموزشی و پژوهشی را بهبود دهند. PRME به اقدامات سازمان های شریک خود مانند AACSB, EFMD, AICPA, CIMA, CLADEA, CEEMAN, AMBA, بین المللی، نظیرنامه کسب و کار و اجتماعی موسسه Aspen، ابتکار رهبری مسئول جهانی، EABID و همچنین سازمان های دانشجویی مانند Net Impcat و international Oikos وابسته است (کیل و هرتل، ۲۰۱۱).^۱



¹ Kell and Haertle, 2011

روش تحقیق :

در تحقیق حاضر با توجه به هدف اصلی پژوهش، روش تحقیق به کار گرفته شده از نوع تحلیل مضمون^۱ بر مبنای رویکرد قیاسی^۲ است. تحلیل مضمون یکی از روش های کارآمد تحلیل کیفی است (هولووی و تودرس^۳، ۲۰۰۳). همچنین تحلیل مضمون یکی از مهارت های عام و مشترک در تحلیل های کیفی است به همین دلیل بویا تزیس (بویاتزیس^۴، ۱۹۹۸، ص ۴) آن را به روشی خاص بلکه ابزاری مناسب برای روش های مختلف معرفی می کند ریان و برنارد نیز کد گذاری مضامین را فرآیند پیش نیاز تحلیل های اصلی و رایج کیفی معرفی می کند تا روشی منحصر به فرد و خاص (ریان و برنارد^۵، ۲۰۰۰، صص ۷۷-۱۰۱)، اما به عقیده براوان و کلارک تحلیل مضمون را باید روش ویژه ای در نظر گرفت که یکی از مزایای آن انعطاف پذیری است تحلیل مضمون روشی برای شناخت، تحلیل و گزارش الگوهای موجود در داده های کیفی است این روش فرآیندی برای تحلیل داده های متنی است و داده های پراکنده و متنوع را به داده هایی غنی و تفضیلی تبدیل می کند همچنین تحلیل مضمون روشی است که هم برای بیان واقعیت و هم برای تبیین آن به کار می رود (براون و کلارک، ۲۰۰۶، صص ۷۷-۱۰۱). در پژوهش حاضر برای شناسایی مولفه ها و مصادیق آموزش مدیریت مسئولانه ۴۰ مقاله که همگی به طور مستقیم اشاره به آموزش مدیریت مسئولانه داشتند PRME که از سال ۲۰۰۷ تا کنون در ژورنال های معتبر علمی پژوهش به چاپ رسیده استفاده شده است با توجه به روش قیاسی این پژوهش و مشخص بودن اصول ۶ گانه آموزش مدیریت مسئولانه مصادیق و مولفه های استخراج شده از مقالات در ذیل این ۶ اصل قرار گرفته اند.

یافته ها :

در گام اول توسط پژوهشگر و به کمک نرم افزار تحلیل محتوا NVIVO با توجه به فراوانی و تم های مستخرج از مقالات مشخص شده را تحلیل شد و خروجی آن بیش از شش هزار تم و عبارت مستخرج از این نرم افزار بود و در گام دوم با توجه به موضوع و تمرکز بر ۶ اصل از پیش تعیین شده شروع به قربالگری و ویرایش تم های مستخرج شده انجام داد و مصادیق و مولفه های کاربردی جهت آموزش مدیریت مسئولانه استخراج شد.

مضامین سازمان دهنده	مضامین فراگیر	مضامین اصلی	
انجمن های دانشجویی	از طریق ابتکارات دانشجویی	هدف	اصل ۱
مشارکت دانشجویان در کنفرانس ها، کارگاه ها، مسابقات و دیگر رویدادها			
سازمان دهی کنفرانس ها، کارگاه ها، رقابت ها و دیگر رویدادها توسط دانشجویان			
مطالعات موردی در برنامه درسی	از طریق راه حل های برنامه درسی		
پروژه های موجود در برنامه درسی			
پروژه ها برای یک کمپانی و شرکت			
دیگر عناصر برنامه درسی			
آموزش اخلاق کسب و کار	گنجاندن مفاهیم ارزشی دوره آموزشی	ارزش ها	اصل ۲
آموزش ارزش های جهانی			
آموزش توسعه پایدار			

1- Theme

2- Comparative Approach

3- Holloway&todres

4- Boyatzis

5- Ryan&Bernad

			آموزش مسئولیت اجتماعی
			آموزش یادگیرنده محور
			بخش های عملی، کارآموزی
			ارزش ها در استراتژی های آموزشی
			ارزش ها در کدهای رفتاری/اخلاقی
اصل ۳	روش	راه حل های نهادی	مسئولیت فرد یا واحد برای آموزش مدیریت مسئولانه
			رویه ها و هنجارهای مرتبط با مسئولیت اجتماعی که در درون فرایند آموزشی پیاده سازی می شود
		ارزیابی	• شاخص ها، کمیت ها و نظرسنجی های متمرکز بر ارزیابی • استاندارد های اعتبار بخشی آموزشی در فرایند آموزش مدیریت مسئولانه
		زیرساخت	ازمایشگاه ها، کتابخانه ها و پایگاه داده های حاوی منابع مرتبط با مدیریت مسئولانه
		رویه های آموزشی	کنفرانس ها، سمینارها و ملاقات در مورد رویه آموزشی
			یادگیری الکترونیک، وبینار، رویه های آموزشی
			استراتژی های آموزشی
		پشتیبانی داخلی	واحد تحقیقی متمرکز بر روی اخلاق و مسئولیت
			پشتیبانی برای تیم های تحقیقی
			پشتیبانی برای پروژه های تحقیقی
			برنامه تحقیقی متمرکز بر اخلاق و مسئولیت پذیری
اصل ۴	تحقیق	نتایج تحقیق	انتشار و اطلاع رسانی نتایج
			پاداش های حاصل شده برای تحقیق
			اولویت دادن بر روی موضوعات اخلاق و مسئولیت
		مشارکت با صنایع	فرد یا واحد مسئول برای تماس با ذی نفعان
			مدیران آموزشی
اصل ۵	مشارکت	مشارکت با صنایع	پروژه های مشترک با بنگاه های اقتصادی
			در نظر گرفتن نیاز های محیط کسب و کار در فرایند آموزشی
			جوایز و پشتیبانی برای کسب و کارها
			پروژه های مشترک با دانشگاه های صنعتی
		مشارکت با دانشگاه صنعتی	

		مشارکت با بخش خصوصی	بخش آموزش در صنایع و شرکت
			پروژه های مشترک با بخش خصوصی
			همکاری با انجمن های علمی
			جوایز و پشتیبانی های مادی و معنوی از فعالان دانشجویی
			تبادل دانشجو
		مشارکت با دانشجویان	شبکه بندی، بحث کردن و تبادل نظر با دانشجویان
			پروژه های مشترک با دیگر سازمان ها (NGO)
			جوایز و پشتیبانی های دیگر برای سازمان ها
		مشارکت با دیگر سازمان ها	کنفرانس و سمینار به عنوان ابزار ارتباطاتی
			وبلاگ، روزنامه، وب سایت به عنوان ابزار ارتباطاتی
			مجلات و فصلنامه های تخصصی
		ابزارهای ارتباطاتی	کاربرد انرژی تجدید پذیر
			کاهش انتشار الودگی
			سیاست های منابع انسانی مسئولانه
			کمک به چالش های جامعه

اصل ۶

گفت و گو

بهترین رویه ها

بحث و نتیجه گیری:

از زمانیکه ارتباط بین نقش های اجتماعی، سیاسی، محیطی و اقتصادی در تجارت رو به افزایش گذاشته است، سازمان ها با پویایی های جدیدی مواجه شده اند. چالشی که سازمان ها با آن روبرو هستند این است که آن ها باید همزمان با افزایش سودآوری و پاسخ گویی به انتظارات اجتماعی جدید و سپس مدیریت همزمان این دو پیامد به ظاهر متناقض که نیازمند توسعه استراتژی های کاربردی است و اثرات مثبتی هم بر جامعه و هم بر سازمان دارد، دست یابند. پیاده سازی مسئولیت اجتماعی در سطح سازمان، از جمله ساز و کارها و یا راهبردهای موثر در این خصوص است. در واقع امروزه سازمان ها علاوه بر انجام وظایف سنتی خود به انجام فعالیت های دیگری نیز مکلف شده اند، که هدف این فعالیت ها، پاسخگویی به انتظارات جامعه است واز آن به عنوان مسئولیت اجتماعی سازمان یاد می شود. در این دوران، فرآیند مدیریت کیفیت اثر بخش در سازمان، می بایست فرآیندی باشد که خود را از محدوده اندیشه سازمان ها، رها ساخته و به جامعه و محیط های وسیع تری نیز بیاندیشد، چرا که نه سازمان ها می توانند خود را از جامعه جدا کنند و نه جامعه می تواند بدون سازمان ها تداوم یابد. آنچه مسلم است این است که از اوایل نیمه دوم قرن بیستم آگاهی عمومی درباره وابستگی سازمان، جامعه و محیط به یکدیگر افزایش یافته و همگان پی برده اند که از یک سو سازمان ها با تکیه بر امکانات موجود در جامعه به اهداف خود می رسند و از سوی دیگر، اقدامات سازمان می بایست منافع و دستاوردهایی نیز برای جامعه داشته باشد. از این رو همواره تلاش بر این بوده که منافع در سازمان ها به گونه ای بهبود یابد که مردم جامعه، بیش از هزینه ای که پرداخت کرده اند از سازمان ها سود ببرند و به تعبیری سازمان ها علاوه بر سود آفرینی، ارزش آفرینی هم داشته باشند.

با توجه به نقش مهم فعالیت های اقتصادی در اشتغال آحاد جامعه، لازم است مدیریت نظام آموزش در توسعه این فعالیت ها اقدام نماید، چرا که توسعه کمی و کیفی فعالیت های اقتصادی نیازمند آموزش مسئولانه می باشد. در بعد کیفی، ارتقاء سطح دانش و عملکرد شاغلین فعلی فعالیت اقتصادی مد نظر بوده و این موضوع با ارائه آموزش های مسئولانه لازم به شاغلین همراه می باشد. در

بعد کمی، توسعه فعالیت های اقتصادی با افزایش نیروی انسانی مواجه می باشد و بدیهی است که باید افراد جویای کارآموزش های لازم را فراگیرند (علی یاری، ۱۳۸۳).

دانشگاه ها همیشه در هدایت کردن افراد به سمت زندگی های بهتر پیشرو بوده اند. در واقع، تصور میشود در ماموریت دانشگاه ها اکتشاف و انتشار دانش و حقایق جای گرفته است. انتظار می رود فارغ التحصیلان دانشگاه ها بتوانند به عنوان شهروندان تحصیل کرده به بهبود وضعیت جوامع خود کمک کنند. با وجود این، در طول چند سال گذشته سیستم آموزش مدیریت به طور کلی و آموزش کسب و کار به طور ویژه به دلیل عدم موفقیت در القای نگرش اخلاقی در دانشجویان و حتی تضعیف کردن خصوصیات اخلاقی آنها مورد انتقاد قرار گرفته اند.

منابع و مراجع

- [1] Ali Yari, S. (1383). prioritized economic activity based on employment, *Economic and Social Systems Engineering Master's Thesis*.
- [2] Bahrami, F .,Melikian, H ., and Abedi, M.r.(1383). Review and compare strategies to increase) Responsibility among students. *Schools of Isfahan Teaching*, 64-72.
- [3] Chowdhury, M.S. and Amin, M.N. (2006). Personality and student academic achievement: interactive effects of conscientiousness and agreeableness on students performance in principles of economics. *Social behaviour and personality*, 28,433-449.
- [4] De Eadra, A.N. (2005). Teacher parents, and students perception of effectiveness school characteristics of two Texas Urban Exemplary open enrolment charter schools. *A dissertation submitted to the office of graduae studies of Texas A&M university*.
- [5] Emadzadeh, M., Bakhtiari, S, Delangizan, S. (1383). evolving role of universities in the world (challenges and opportunities).
- [6] Farasatkah, M., Kebriyi, A. (1988). Higher education in the twenty-first century, the report of the World Conference on Higher Education, Paris. *Journal of Research and Planning in Higher Education*, 17.
- [7] Feral, J., Valcke, M. and schuyten, G.(2009). Student model of learning and their impact on study strategies. *Journal of Society for Research in Higher Education*, 34(2), 185-202.
- [8] Gvdrzyan, M., Pasha, G. (1388). Connector Of style And The And Identity With Ethical Growth Publisher Responsibility Students At Of Magazine. Of Results And The Smooth At New Ahvaz the unit Islamic Free University Of Second Year, 8, 87-99.
- [9] mikaili mani, F. (1388). Structural relationship between psychological well-being and emotional intelligence perceived ability to control negative thinking and depression in mothers of children with Henny and compared with children of mothers ordinary. *Journal of Exceptional Children within Tabstan*, 2(32).
- [9] Hawton, K., Salkovskis, P., kirk, J., and Clark, D. (1989). Congnitive behaviour therapy for psychiatric problems, a parcialial guide. Oxford medical publication. *Data base: phycINFO. NewYork Y, US: Oxford university press*.
- [10] Hosmer, L. T. (1995). Trust: the connecting link between organizational theory and philosophical ethics. *Academy of Management Review*, 20, 379-403.
- [11] Hetherington, E.M. et al (1999). Parental religiosity, parenting style and Adolescent social responsibility. *Journal of abnormal and Social psychology*,47, 73-80.
- [12] Iman, M.T., Moradi G., and Jlayyan, v. (1389). Relationship between social responsibility, youth and Social Security: The Case of the city of Mashhad. *Journal of Social Security Studies*, 24, 11-139.
- [13] James, E., Poset, and Lee, E.Preston. (2002). Managing the extending enterprise: the new stakeholder view, *school of Business Economics and law*, 10, 5-20. L.campbell, J.(2007). why would corporations behave in socially responsible ways? An insitutioanl theory corporate social responsibility, *darmouth college and copenhagen business school*, 56,108-127.
- [14] Kell, G., Haertle, J. (2011). Compact and Principles for Responsible Management Education: the next decades. *EFMD Global Focus, UN Global*, 5(2).
- [15] Khjsthmhr, R ., Abbaspoor, Z.a Caraei, A ., Kochaki R. (1391). The effect of succes Their academic performance and academic self-concept. Attitude towards school, learning how to succeed School and social adjustment of students. *Journal of School Psychology*, 1, 27-45.
- [16] Kmbz, H., And been, R. (1385). Teach responsibility to children. Translation Parvin Ali Pur. Tehran, *Astan Quds Razavi*.
- [17] Kordlo, M. (1387). Factors affecting high school students at home and school accountability, *school counselor*.

- [18] Lantos, G.P. (2001). The boundaries of strategic corporate social responsibility. *Journal of Consumer Marketing*, 18(7), 595-630.
- [19] Lawrence, A.T., Weber, et al. (2005). *Business and Society: Stakeholders, ethics, public policy*, McGraw-Hill.
- [20] Norman, W., & MacDonald, C. (2003). Getting to the botton of triple bottomline. *Business Ethics Quarterly March*, 1-19.
- [21] Pentelichuk, M.W. (1989). A Study of the School Attitudes of Grades 4-6 Indian Students in the Schools Northwestern Saskatchewan. *A thesis submitted to The Faculty of Graduate Studies and Research, University of Saskatchewan*.
- [22] Price, L. (2004). Individual differences in learning. Cognitive control, performance. *Personality Individual Differences*. 27(6), 13-22.
- [23] Saadati Shamir, A., Shahraray, M and Farzad, V. (1386). the relationship between the identity and responsibility in Tehran. *Journal of Educational Research*, 10.
- [24] Saghafian, H. (1387). examined the relationship between social responsibility and financial performance of the manufacturing companies of Tehran Stock Exchange. *School of Management, Institute of Tabriz Reservation*.
- [25] Speicher, B. (1997). Family patterns of moral judgment during adolescence and early adulthood. *Development psychology*, 30, 627-632.
- [26] Willis, K. (2004). Personal chico/social responsibility. *Journal of sociology*, 40(2), 121-130.